

توانبخشی در ایران باستان

* دکتر نجم‌السادات موسوی^۱، دکتر سوزان گویری^۲

چکیده:

هدف: ناتوانی و معلولیت به مفهوم امروزی خود، در جهان باستان و کتابهای پزشکی و قدیمی کمتر به چشم می‌خورد، اما ردپای «درمان بخشی» و «توانمندسازی» در تاریخ بیشتر سرزمین‌های کهن مشهود است که با اعتقادات و باورهای دینی همراه بوده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی آثار و اسناد تاریخی معتبر باقی مانده از دوران باستان در خصوص توانبخشی است تا بتوانیم سهم تمدن ایرانی را در روند شکل‌گیری «توانبخشی» و «توانمندسازی» در جهان امروز بر پایه مستندات علمی به دست آوریم. **روش بررسی:** این تحقیق از روش پژوهش کیفی از طریق مروری در اسناد تاریخی می‌باشد که پس از تبیین هدف و پی‌ریزی فرضیه‌های مد نظر به جمع‌آوری اطلاعات دقیق از منابع معتبر با روش تحقیقات کیفی پرداخته است. **یافته‌ها:** در ایران باستان اهورامزدا سرچشمه همه نیکی‌ها و اهریمن منشاء همه پلیدی‌هاست. درد و رنج و بیماری از وسوسه‌های اهریمن است. تمدن ایرانیان یکی از نخستین تمدنهایی بوده که از روش‌های علمی و خواص گیاهان دارویی برای درمان بخشی و توانمندسازی استفاده می‌کرده است. دانشگاه گندی شاپور نخستین دانشگاه پزشکی بوده که به امر فرهنگی و توانبخشی می‌پرداخته و نیز مکان‌هایی در آن زمان بوجود آمده که به امر نگهداری از معلولین و محرومین اختصاص داشته است. **نتیجه‌گیری:** زمانی که غرب و سایر ملل درگیر جهل و نادانی بوده و از ترس بیماری به خود می‌لرزیدند و معلولان را به دریا می‌انداختند، ایران مهد تمدن و مرکز بزرگترین دانشگاه پزشکی بود. از آنجا که اسناد معتبر و به جای مانده بسیار محدود و مطالب پراکنده می‌باشد، لذا هر عبارت و نکته حاصله در این پژوهش خود بیانگر مطالب مهم و غیرقابل اغماض می‌باشد که شرح و تفسیر آن به عهده پژوهشگران و خوانندگان این مقاله می‌باشد. **کلید واژه‌ها:** ایران باستان / طب / نمادهای اهورایی / نمادهای اهریمنی / بیماری / درمان / گندی شاپور

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۴/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۱۲/۲۰

۱- کارشناس ارشد میکروبیولوژی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۲- زبان‌شناس، استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

* آدرس نویسنده مسئول:

تهران، اوین، بلوار دانشجو، بن بست کودکان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تلفن: ۲۲۱۸۰۰۴۶

*E-mail: n.moosavi@uswr.ac.ir

مقدمه

هنگام کشورگشایی مادها، از پایان سده هشتم پیش از میلاد و سپس با سرکار آمدن هخامنشیان، ایرانیان به سرزمینهای باستانی مانند ایلام، آشور، بابل، آسیای صغیر، سوریه، مصر و بخشی از هند دست یافتند و تمدنی بزرگ برافراشتند که تا هفت سده پس از میلاد هم راه خود را پیمود (۳-۱).

این تمدن با گسترش به نقاط مختلف، در همه جا آثاری شگرف از خود به جای گذاشت و مشعلدار تمدن شرق و غرب جهان آن روز بود و در انتشار آن سهمی بسزا داشت و با اینکه تندبادهای حوادث روزگار چراغهایی را که ایرانیان دلیر و پارسا در این سرزمین برافروخته بودند خاموش ساخت، اما هنوز آثار پراکنده آنان در کاخ تاریخ جهان روشن است (۴). آن چنان که می‌توان رد پای پزشکی و درمان بخشی و نیز توانبخشی به مفهوم آن روزگار را که با باورهای دینی، اعتقادات و نگرش‌ها در آمیخته بوده است پیگیری نمود و از آنجا که منابع معتبر در این زمینه محدود است، هر عبارت و نکته حاصله از این پژوهش، خود می‌تواند بیانگر مطالب مهم و غیر قابل اغماض باشد که دریافته‌ها به آن اشاره خواهد گردید.

هدف از پژوهش حاضر تحقیق، بررسی و نقد آثار و اسناد تاریخی معتبر مربوط به دوران ایران باستان در مورد «توانبخشی» و «معلولیت و کم‌توانی» در آن روزگار بوده تا بدین طریق بتوانیم به چگونگی نگرش، اعتقادات، باورهای دینی، آثار و عملکرد مردمان و جوامع آن روز ایران باستان در مورد معلولیت و توجه به توانمندسازی پی برده و سهم تمدن ایرانی را در روند شکل‌گیری «توانبخشی»، «درمان» و «توانمند سازی» در جهان امروز براساس مستندات تاریخی - علمی به دست آوریم.

روش بررسی

در این مطالعه از روش پژوهش کیفی در تاریخ استفاده شده است. چنان که می‌دانیم تحقیق کیفی اصول و ویژگی‌هایی را که تحقیقات کمی قادر به توصیف کامل آنها نیستند نمایان می‌سازد (۵). بدین منظور که پس از تبیین هدف ذکر شده در بالا و پی‌ریزی فرضیه‌ها و سئوالات پژوهش مورد نظر، به جمع‌آوری اطلاعات دقیق از منابع مورد نظر پرداخته شده است. همچنین طبق ویژگی‌های پژوهش کیفی - تاریخی که مهمترین اصل آن ارزشیابی منابع مورد استفاده است، با دو روش انتقاد بیرونی و انتقاد درونی منابع مورد ارزیابی قرار گرفت (۶). چه به صورت منابع دست اول و یا منابع دست دوم (۷).

پس از جمع‌آوری داده‌ها، با مراقبت از اطلاعات و تحلیل داده‌ها، کدگذاری به شیوه تحقیقات کیفی در سه مرحله انجام و در هر مرحله با توجه به اعتبار درونی و بیرونی منابع، داده‌ها سنجیده و برگه کتاب‌شناسی تهیه شد و سپس علی‌رغم محدود بودن منابع، توسعه مفهوم و سایر مراحل تا شکل‌گیری تئوری محققین ادامه داشت و گزارش نهایی تهیه گردید (۸-۵).

یافته‌ها

جهان باستان

توانبخشی به مفهوم امروزی در آثار به جای مانده از جهان باستان کمتر به چشم می‌خورد، اما ردپای درمان‌بخشی در تاریخ بیشتر سرزمین‌های کهن مشهود است که با باورهای دینی همراه بوده است.

اصولاً در دوران باستان، در میان همه ملل، خدایان، نماد تندرستی، درمان و زندگی و دیوها نماد بیماری و مرگ بوده‌اند.

مصریان نماد درمان را ایزیس (Isis) می‌دانستند. بیماران برای بهبودی و رهایی از بیماری‌ها در معابد معتکف می‌شدند. احتمال بسیار هست که در گوشه‌هایی از این معابد محلی هم برای بیماران وجود داشته است (۹، ۱۰).

در بابل، در چهار هزار سال پیش درمان بخشی وجود داشته است. حمورابی پادشاه بابل که در ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد می‌زیسته، قوانینی برای درمان وضع کرده بود. از آنجا که بابلیان در علم نجوم آگاهی فراوانی داشتند، اثر و نیروی ستارگان را در اعمال و رفتار بشر مؤثر می‌دانستند و به تغال (فال نیک) و تطیر (فال بد) اعتقاد داشتند. همچنین در نظر آنان، اعداد هم تأثیر و نیروی نیک و بد خود را در تندرستی و سرنوشت آدمیان بر عهده داشتند (۱۱-۹).

ذکر نام بیمارستان در کتابهای چینی دیده می‌شود. در این بیمارستانها که شبیه مهمان سرا بوده و توسط روحانیون اداره می‌شد، به افرادی که از تندرستی محروم بودند، کمک می‌شده است. در چین درمان با آب (آب درمانی)، ورزش و استفاده از داروی بیهوشی وجود داشته است.

در تورات درباره برخی از بیماریها اشاراتی شده است. از این رو، طب این قوم در دوران باستان بیشتر از تورات گرفته شده و بر پزشکی سایر اقوام بی‌تأثیر نبوده است (۱۰).

در هند، بیماریها و ناتوانیها را نتیجه خشم خدایان می‌دانستند و مانند سایر اقوام باستانی با خواندن اوراد در دفع بیماریها می‌کوشیدند (۱۱، ۱۰).

در یونان و روم نیز برای پزشکی جنبه الهی قائل بودند. بقراط در تاریخ پزشکی یونان نخستین کسی است که تا حدی توانسته است طب را از مرز اوراد جدا کرده و به شیوه‌ای نسبتاً نو درآورد. پس از بقراط، دانشمندان دیگری چون افلاطون، ارسطو و دیوژن در زمینه درمان، خدماتی انجام داده‌اند. پزشکان رومی نیز شاگرد یونانیها بودند و از مکتب یونان پیروی می‌کردند. دو پزشک مشهور یونان بقراط و جالینوس هستند که نام آنها در کتابهای تاریخ پزشکی آمده است (۱۱، ۱۰).

ایران باستان

در ایران باستان درمان و توانبخشی به مفهوم آن روزگار همانند سایر ملل دیگر با باورهای دینی همراه بوده است، اما در این باور، اهورا مزدا سرچشمه همه نیکیها و اهریمن منشاء پلیدیهاست. اهورا مزدا، برترین گوهری است که شایسته ستایش و نیایش است. بی آنکه سایر ایزدان به دست فراموشی سپرده شوند، آنان نیز در کنار اهورامزدا ستایش و نیایش می‌شدند. در باور زرتشتی، اهورامزدا نیکی را آفریده است، پس رنج و درد و بیماری از وسوسه‌های اهریمن است. از این رو برای به دست آوردن تندرستی، شادی و آرامش همیشه پیکار وجود داشته و آن پیکار مستمر بین اهورا مزدا و اهریمن بوده است (۱۳، ۱۲، ۹).

روئین تنی از شاخص‌های اسطوره‌های ایرانیان باستان است (۱۵، ۱۴).

در وندیداد، یکی از کتابهای اوستا، چهره اساطیری نخستین پزشک جهان به نام تریته (Thrita) و چگونگی برخورد ایرانیان با دانش پزشکی، درمان ناتوانیها و به زیستن را به ما نشان می‌دهد و گویای آن است که تمدن ایرانیان یکی از نخستین تمدنهایی است که از خرد برای درمانگری و از گیاهان دارویی به عنوان یکی از شیوه‌های دارو درمانی استفاده می‌کرده است.

در یکی از بخش‌های کتاب یاد شده آمده است که زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد: نخستین پزشک خردمند و پرهیزگار که درمانگر بیماری است کیست؟

اهورامزدا پاسخ می‌دهد: ای سپتیمان زرتشت، تریته در میان پرهیزگاران نخستین پزشک خردمندی است که به جست و جوی داروها و شیوه‌های درمان برآمده و... من که اهورامزدا هستم - گیاهان دارویی را که صدها و هزارها و ده هزارها روییده در گرداگرد درخت هوم سفید^۱ بدو فرو فرستادم (۱۳-۱۰).

بنابراین تریته (فریدون) نخستین کسی است که از گیاهان دارویی برای درمان استفاده می‌کرده است.

بنابراین به نوشته حمزه اصفهانی، تریته بینانگذار دانش پزشکی و داروسازی است و برتعویذها که برای دفع موجودات شریر و درمان بیماریها به کار می‌رود، نام او را می‌نگارند (۱۱، ۱۰).

در کتاب وندیداد اشاره به شهریور امشاسپند از آن روست که وی خدای نگاهبان فلزهاست و کاردی زرنشان به تریته می‌دهد. بنابراین تریته نخستین کسی است که به شیوه امروز جراحی می‌کند و درعین حال نخستین کسی است که با گیاهان دارویی به کار پزشکی و درمان می‌پردازد (۱۳-۱۰).

۱ - گیاه هومه در سنسکریت سومه، گیاه مقدسی است که فشرده آن آشامیدنی آیینی است که در نیایشها توسط موبدان فراهم می‌شود. این گیاه دور دارنده مرگ و سرور و شهریار گیاهان است. نیرنگ یکی از شرق شناسان بزرگ معتقد است که این گیاه از گونه افدرا (Ephedra) است که در کوهستانهای ایران و افغانستان بسیار می‌روید.

نگرش جامعه شناختی در محتوای ونیداد نشان می‌دهد که این بخش از اوستا گنج شایانی است از ریشه‌دارترین و بنیادی‌ترین بن مایه‌های اساطیر و فرهنگ ایرانیان که در پژوهش‌های امروز می‌توان از آنها بهره گرفت و محتوای آنها را در عرصه‌های گوناگونی از جمله پزشکی، درمان و توانبخشی در آن روزگار با دستاوردهای دیگر قوم‌ها و دین‌های پیشین و پسین سنجید.

در فصل دوم ونیداد آمده است: در پی نهصد سال فرمانروایی جمشید، زمستان سختی فرا می‌رسد که نابودی، آفرینش را تهدید می‌کند. او به اشاره اهورامزدا قلعه ای برای نگاهداری موجودات می‌سازد و بدانجا برترین و نیکوترین و زیباترین تخمه‌های نرینگان و مادینگان را می‌برد. نیز نیکوترین تخمه چهارپایان و رستنی‌های خوشبو را در آن قلعه پرورش می‌دهد. نیز در آن کتاب تاکید شده است مبدا بدانجا گوژپشتان، گوژسینه‌گان تباہ دندانان فراروند (ونیداد فقره ۳۹)(۱۳، ۱۰).

جنگ‌های تن به تن و رویارو از عواملی بوده که به معلولیت و ناقص شدن اعضا منجر می‌شده است. زیرا استفاده از ابزار و آلات جنگی ساده چون شمشیر، میله و... باعث باقی گذاردن معلولان بیش از کشته شدگان می‌شده و این امر معلولیت و نقص عضو را طبیعی جلوه می‌داده و کمتر چاره اندیشی را به دنبال داشته است. اما علی‌رغم این مسئله از آنجا که رساتن و توانمندبودن جزء ویژگی‌های اسطوره‌های ایرانیان بوده، چنانکه رستم و اسفندیار دارای این ویژگی بوده‌اند، لذا رعایت این اصل بسیار مهم و ضروری بوده و انحراف از آن امکان نداشته و آن اصل عبارت از این بوده که: «پادشاه باید از هرگونه عیب و نقص جسمانی عاری و میرا باشد» (۱۷-۱۴، ۳).

رسا بودن تن و روان از مزیت‌های مهم بوده و جزء دعاهایی که می‌کرده‌اند توانمندی اعضا بوده است، بطوریکه زرتشت از دانش می‌خواهد که: او را نیرو در پاها، شنوایی در گوش‌ها، توان در بازوان و تندرستی و پایداری تن بخشد و او را چنان نیروی بینایی ارزانی دارد که اسب داراست و می‌تواند در شب تیره، اگر چه باران بیاید و ژاله و تگرگ فروریزد، مویی از یال و دم اسب را که بر زمین افتاده بازشناسد (دین یشت بند ۱۰) (۱۳، ۱۲، ۹، ۴).

و نیز ایرانیان در آن زمان اختلالات روانی را جزء بیماری تلقی کرده و کلام متره برای درمانهای روانی در ایران باستان بسیار رایج بوده و طبیعی که به چنین درمانی اشتغال داشته است متره پزشک گفته می‌شده است و در اوستا برترین پزشک خوانده شده است (ونیداد باب ۲۰ و ۳۰).

بیماریهای روانی و عصبی را با کلام مقدس (کلام متر) درمان می‌کردند (۱۳، ۱۰).

طبق پژوهش‌های تاریخ نگاران و باستان شناسان مهمترین مراکز پزشکی در دوره ساسانیان در گندی شاپور بوده است، یعنی سرزمین بین النهرین هزار و پانصد سال پیش به دلیل وجود دانشگاه گندی شاپور یکی از مراکز فرهنگی جهان بوده است (۱۹-۱۷، ۱۱، ۱۰). گندی شاپور به سرعت به صورت یکی از بزرگترین مراکز مذهبی مسیحیان ایران و کانون تجمع دانشمندان مسیحی و محل تعلیم پزشکی و رشته‌های وابسته یونانی و ایرانی درآمد و در ضمن در آنجا دانشمندان سریانی زبان ایرانی و عالمان هندی و یونانی سرگرم تحقیق و تدریس شدند. باید اشاره کرد که مدرسان این دانشگاه حتی پس از سقوط ساسانیان به کار خود ادامه دادند. پزشکان یونانی و هندی در زمان سلطنت شاپور دوم که پشتیبان دانشمندان بود، به گندی شاپور می‌آمدند و به تحقیق و تدریس می‌پرداختند.

در سده ششم میلادی دانشگاه گندی شاپور حامی بزرگی یافت. این شخص خسرو انوشیروان (۵۸۰-۵۳۱ میلادی) بود که شاگرد اشتفانوس^۱ و دوستدار رشته‌های علمی به ویژه پزشکی بود (۱۱، ۱۰).

همچنین شواهد نشان می‌دهد که از آغاز دوران ساسانی در گندی شاپور مراکزی برای پرستاری از بیماران وجود داشته است. از این رو می‌توان ادعا کرد که وجود چنین مراکزی سرآغاز ایجاد بیمارستان‌ها و مراکز نگهداری ناتوانان، بیماران و بی‌سرپرستان در ایران بوده است.

بطوری که در دبستان مذاهب ص ۵۵ آمده است «مردم بیمار و مسافر و بی‌کس در بیمارستان شاهی می‌بودند و طبیبان به علاج آنان می‌پرداختند و گزارشگرها حاضر می‌بودند تا ارباب خدمه در خدمات ایشان کوتاهی نکنند و مردم کور و شل و عاجز و بی‌کس در بیمارستان خسروی به فراغت روزی می‌خوردند... و در هر شهری بیمارستانی از خسرو بود و در آن پزشکی از شهنشاه و بیمارستان مردان از زنان جدا و پزشک زنان، زنی باشد دانا و چنین بیمارستان، زن و مرد علیحده... (۱۹، ۱۷). و یا وجود صومعه‌هایی بر سر راه کاروان‌ها قرار داشته است، به طوری که در دوران شاپور دوم ساسانی در بیرون از شهر گندی شاپور صومعه کوچکی وجود داشته که هزینه بنای آن را راهبی به نام بادما^۱ پرداخته است. این شخص همراه شش راهب دیگر در صومعه یادشده می‌زیستند و به خدمت مردم اشتغال داشتند (۱۹، ۱۷، ۱۱).

بحث

تمدن ایران باستان همچون تمدنهای دیگر براساس باورها و اعتقادات بنا شده بود. با این تفاوت که اساس اصلی آن اعتقاد به اهورامزدا بوده که سرچشمه همه نیکی‌ها و پاکی‌هاست. پس بیماری و درد و رنج زاده اهریمن است و بر عکس سایر ملل که از اوراد و خرافات برای زدودن بیماری استفاده می‌کردند و یا معلولان را به دریا می‌انداختند، با خردورزی که «تریتسه» نماد آن بوده است و استفاده از روش‌های علمی، گیاهان دارویی و کلام مقدس به درمان بخشی و توانمندسازی می‌پرداختند و چنانکه از جامعه آرمانی آنان استنباط می‌گردد، هدف ایجاد قلعه ای است که در آن بهترین و برترین موجودات گیاهی و جانوری بدون کثرتی و کاستی جمع می‌گردد. در واقع به تصویر کشیدن ویژگی‌های جهانی است که غایت آرزوی انسانیت می‌باشد که در آن جمشید فرمانروای جامعه آرمانی ایرانیان، به دستور اهورا مزدا هدف آفرینش را پایه‌گذاری می‌کند و آن حفظ بهترین و نیکوترین تخمه جانداران و رستنی‌هاست. هدف آن نیست که گوشتان و تبه دندانان نابود شوند، به گونه ای که ملل هم جوار آنها را به دریا می‌انداختند، بلکه اهورامزدا از جمشید می‌خواهد به اصلاح ژنتیک (تخمه‌ها) دست بزند و برای تداوم حیات از آنان استفاده کند.

نتیجه‌گیری

اسطوره‌های ایرانیان افرادی رساتن و به روان بودند و اختلاف روانی را جزء بیماری تلقی کرده و به جای استفاده از ورد و جادو، با شیوه علمی و کلام مقدس و توسط متخصص مربوطه درمان می‌کردند. همچنین با ایجاد دانشگاه گندی شاپور که یکی از پایگاه‌های مهم فرهنگی، پزشکی و رشته‌های وابسته در آن روزگار بود، از شیوه‌های علمی برای پیشگیری، درمان و توانبخشی استفاده می‌شده است.

در کنار تمام موارد فوق صومعه‌ها و مراکزی جهت نگهداری معلولان و کم‌توان‌ها و محرومین وجود داشته که به آنان خدمت می‌کرده است.

در پایان باید گفت با توجه به محدود بود منابع معتبر، یافته‌های حاصله مختصر ولی حاوی شرح، بحث و نقد مفصل‌تر می‌باشد که با توجه به مجمل بودن مقاله حاضر در این مقال نمی‌گنجد و بسط آنرا به عهده پژوهشگران و خوانندگان می‌گذاریم «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

منابع:

- ۱- گیرشمن، ر. ایران از آغاز تا اسلام، تهران علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۲
- ۲- برگ لوثی، و. ایران باستان، ترجمه: بهنام، ع. دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۸
- ۳- دیاکونوف، م. تاریخ ایران باستان، ترجمه: ارباب، ر. علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲

۴- پور داوود، ا. فرهنگ ایران باستان، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۲۶

5- Mays N, Pope C. Rigour and qualitive research. B.M.J: 1995; 109-12

۶- دلاور، ع. مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۳۶ - ۲۲۵

7- Scoot B, Case beer A. (1999), "An over view of qualitative research: approaches , Date collection and analysis. B.M.J.April,

۸- کر لینجر، ف. ترجمه: پاشا شریفی، ح. نجفی زند، ج. مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ج ۱ و ۲، مؤسسه انتشارات آوای نور، تهران ۱۳۷۶

۹- ساموئل نیبرک، هـ دین‌های ایران باستان، ترجمه دکتر سیف الدین نجم آبادی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، تهران ۱۳۵۹

۱۰- نجم آبادی، م. تاریخ طب در ایران قبل از اسلام، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۱

۱۱- تاج بخش، ح. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد اول قبل از اسلام تهران ۱۳۷۹

۱۲- رجبی، پ. هزاره‌های گمشده. ج ۱ و ۲. انتشارات قدس با همکاری مرکز گفتگوی تمدن‌ها ۱۳۸۲

۱۳- دوستخواه، ج. اوستا، مروارید، تهران ۱۳۷۰

۱۴- پیرنیا، ح. (مشیرالدوله) ایران قدیم از آغاز تا انقراض ساسانیان، اساطیر، تهران ۱۳۷۸

۱۵- یاحقی، م. فرهنگ اساطیر، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران ۱۳۷۵

۱۶- بهار، مهرداد - پژوهشی در اساطیر ایران، ویراستار: دکتر کتابیون مزدآپور، آگاه تهران ۱۳۷۵

۱۷- پرفسور کریستنسن، آ. ترجمه: یاسمی، ر. ایران در زمان ساسانیان و ویراستار: رضایی، ح. باغ بیدی، صدای معاصر، تهران ۱۳۷۸

۱۸- زرین کوب، ع. تاریخ مردم ایران قبل از اسلام امیرکبیر، تهران ۱۳۴۷

۱۹- پیگلوسکایا، ن. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه: رضا، ع. انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

Rehabilitation in ancient Iran

* Mousavi N. (M.Sc.)¹, Gaviri S. (Ph.D.)²

Abstract

Objectives: However rehabilitation and disability in their modern concept are found in ancient world and medical textbook to a limited rate, the background of treatment and rehabilitation is obviously found in the history of the most ancient territories to coincide with religious beliefs.

The aim of this research is study of the effects and reliable documentations remained from ancient times regarding the abovementioned title so that we can evaluate and determine the role of Iranian civilization in the formation of rehabilitations and empowering in the world today on the basis of scientific evidences and proofs.

Materials & Methods: In this qualitative research, reviews in historical documents has been used. After defining the objective and making given hypotheses, data has been collected form reliable sources which were then verified through internal and external critic.

Results: In ancient Iran, Ahuramazda is the source and origin of all goods while all pains, suffering, disabilities are Devil temptations. Iranian civilization is among the earliest civilizations using scientific methods and herbal drugs for treatment and empowering. Gondi Shapor University was among the first medical universities proceeding to treatment and rehabilitation. As well there had been some places at that time where disabled people were maintained and kept.

Conclusion: At the time western world and other nations involved ignorance and unawareness, frightening from hard diseases, threw disabled people to the sea, Iran was the cradle of civilization, wisdom and the biggest medical university. As there are very limited documents and evidences with discrete subjects on the matter, any point and statement in this research work indicate important, critical and undeniable facts the interpretation and description of which is put for the future researches and readers.

Keywords: Ancient Iran / Physician / Diseases / Treatment / Symbols of Ahora / Symbol of devil / Gondi Shapor / Zoroaster

Receive date: 23/6/2007

Accept date: 19/3/2008

1- M.Sc. of Microbiology, Academic Member of University of Welfare & Rehabilitation Sciences

2- Linguist, Assistant Professor of University of Welfare & Rehabilitation Sciences

* E-mail: n.moosavi@uswr.ac.ir